



تسبیحات
و
سرود های روحانی

افشین گرمی

www.besharat.tv

لیست سرودهای روحانی

1. Holy, Holy, Holy - قدوس قدوس قدوس
2. Revive us again - سپاس ای پدر
3. To God be the glory - جلال باد بر نامش
4. Blessed Be the Name - شکر ای پدر
5. Take the Name of Jesus With You - با خود ببر اسم عیسی
6. How great thou art - چه عظیمی
7. Wonderful words of life - کلمه حیات!
8. Praise to the Lord, the Almighty - ستایش به نام خدا
9. O say but I'm glad - حال در تو شادم!
10. Christ liveth in me - مسیح باشد در من
11. O my soul bless thou Jehovah - جان من خداوند را متبارک بخوان!
12. He has made me glad - خداوند نیکوست،
13. What a friend we have in Jesus - هان چه دوست است ما را عیسی
14. Sweet hour of prayer - وقت دعا
15. Nearer my God to thee - نزدیک شوم بر تو
16. Abide with me - بمان با من
17. Have thine own way - در تو جلال و در بقاست
18. O to be like thee - شبیهت کردم
19. Jesus lover of my soul - عیسی محب جانم
20. Stand up for Jesus - عیسی به تو محتاجم
21. I know whom I have believed - دانم به که ایمان آوردم!
22. Fairest Lord Jesus - عیسی خدایم
23. Simply trusting every day - عیسی یار مهربان
24. Jesus lover of my soul - ای یار جان فشانم
25. Lord I want to be a Christian - یا رب مسیحی تر شوم
26. Tis so sweet to trust in Jesus - اعتماد بر عیسی نیکوست
27. He leadeth me - رهبرم اوست
28. My Saviour's love - شادان باشید در خداوند
29. Where He Leads Me - هر جا رهبری کنم
30. The Solid Rock - اعتمادم بر صخره ای است

31. گرچه انجیر شکوفه نیاورد - Seek Ye First
32. پایدار بر وعده های منجی ام - Standing On the Promise
33. ایمان آور، ایمان آور - Only Believe
34. تصمیم گرفتم در پی اش روم - I Have Decided to Follow Jesus
35. عیسی بود نیروی ما - Jesus Shall Reign
36. فیض عظیم مسیحا - Amazing Grace
37. هرگز ترکم نکند - Never Alone
38. دیروز، امروز و تا ابد - Yesterday, Today, Forever
39. به عیسی بگو - Tell it to Jesus
40. نور جهان است عیسی - The Light of the World
41. در خون عیسی قدرت هست - Power In the Blood
42. بر جلجتا! - At Calvary
43. بر خاکیان بادا نوید - When I Survey the Wondrous Cross
44. به لطف و به نرمی - Softly and Tenderly Jesus
45. چون عیسی برداشت بارم - Jesus Took My Burden
46. آن صلیب کهن - The Old Rugged Cross
47. بین بر صلیب عیسی را - Near the Cross
48. خون آن بره خدا - Nothing But the Blood
49. دادی جانت بهرم - I Gave My Life for Thee
50. با خونش پاک شدی؟ - Are You Washed in the Blood?
51. پناهم شد آن صخره - Rock of Ages
52. ای منجی و ای شاه من - Just as I Am, Without One Plea
53. مهر منجی ام - My Saviour's Love
54. بینم ز دل تو را، ای بره خدا، - My Faith Looks UP to Thee
55. روح القدس به ما قوت فرما عطا - Blest Be the Tie That Binds
56. باران آخر می خواهیم - There Shall Be Showers of Blessing
57. دانیال وار در نبرد به پیش بتاز - Dare to Be a Daniel
58. به پیش ای سرباز - Onward Christian soldiers
59. دهید مژده سلامتی - O Zion Haste publish glad tidings
60. نهر های آب حیاتت - Channels Only
61. هان به پیش، هان به پیش! - Marching on marching on
62. با شادی برای او دست زنید! - The trees of the field
63. چه روز پر جلالی است - When We All Get to Heaven
64. روز مبارکی است - What a Day that will Be

65. عیسی امید پر جلالم - Blessed Assurance
66. چه زیباست آسمان - Sweet By and By
67. چون خوانند نامهای ما را - When the Roll Is Called Up Yonder
68. بشنو هاتف سراید - Hark the Herald Angles Sing
69. ای بیت لحم - O Little town of Bethlehem
70. هل تا جهان شادان شود - Joy to the World
71. در شب تیره شبانان - While Shepherds Watched Their Flocks
72. از شرق ماییم پادشاهان - We Three Kings of Orient Are
73. آیین او را پرستیم - O Come All Ye Faithful
74. امشب چه فرخنده شبی! - Silent Night! Holy Night!
75. کرده قیام مسیحا! - Christ the Lord Is Risen Today
76. کرد او از قبرش قیام - Christ Arose
77. عیسی برخاست امروز! - He Lives
78. شاد باش، ای روح - Be Still, My Soul
79. گویم رهاندم فیض او! - Saved by Grace
80. دوست دارد مرا عیسی - Jesus Loves Me! This I Know
81. وسیعتر از دریاها - Wide, Wide As the Ocean
82. شادم که عیسی دوست دارم - Jesus Loves Even Me
83. دانا خانه روی صخره کرد بنا - wise man build his house on the Rock
84. کیست مانند خداوند عیسی - No One Ever Cared for Me Like Jesus
85. تقدیمت کنم - I Surrender All
86. ای آتش، روح خدا - Fill My Cup, Lord
87. صاحب حصاد سخن گوید: - Speak My Lord
88. چون او زنده است - Because He Lives
89. در آن شب مقدس - O Holy Night
90. بهشت آمد و پر ساخت جانم را - Heaven Came Down
91. کودک مریم، عیسی - Mary's boy child
92. نور سمائی - heavenly sunlight
93. اوست سوسن وادیها - What a Friend We Have in Jesus
94. شکرکنم بهر نجات - Thank You Lord
95. عیسی نامت چه زیباست! - Jesus Name Above All Men
96. خداوند خداوند - He is Lord
97. شکر که هدیه نمودی عیسی را به ما! - Give thanks
98. مسیح بر آرد هر آرزویم را - Beyond the Sunset

99. اگر شادمان هستی دست بزن - O be careful little eyes
100. مواظب باش چشمهای کوچک - be careful little eyes
101. من دارم شادی - love of Jesus down in my heart
102. در نام عیسی همیشه پیروزیم - In the name of Jesus we have victory
103. من راه و راستی و حیات هستم - A new Commandment
104. خدا حافظ توست - God will take care of you
105. در صلیب - At the Cross
106. چه خوش است بر جانم - It is Well with my Soul
107. رها شدم با صلیب خونین - Saved By the Blood
108. به عیسی گویم - I Must Tell Jesus
109. از آن عیسی هستم - Now I belong to Jesus
110. عیسی فقط فکرهای تو - Jesus the very thought of thee
111. ای میهن زیبای ما

1: قدوس قدوس قدوس - Holy, Holy, Holy

قدوس، قدوس، قدوس ای شاه قادر

بهر شکر نامت آمده ایم با سرود
قدوس، قدوس، قدوس قادر بخشنده،
حمد تو را شاید هر دم با درود.

قدوس، قدوس، قدوس نامت مجید است؛
مجبت تو پاک و فیضت بی انتهاست.
تو از ازل بودی، تا ابد خواهی بود؛
شکر و سپاس بر نام تو سزااست.

قدوس، قدوس، قدوس نور درخشان
بر گنهکاران و گمراهان این جهان.
تو تنها قدوسی، جز تو قدوسی نیست؛
کامل و قادر ، پاک و مهربان!

قدوس، قدوس، قدوس قادر مطلق،
حمد به نامت خوانند موجودات این جهان.
قدوس، قدوس، قدوس تو پر از جلالی؛
تثلیث اقدس ذاتت کرد عیان

سپاس ای پدر، بهر آن فرزندت؛
او که مرد و برخاست و ظاهر کرد مهرت.
(جلالت باد هلولیاه؛ جلات باد آمین!)
(جلات باد هلولیاه؛ ده فیض نوین!)

سپاست گوئیم، روح پاک خدا،
ظاهر کردی مسیح را بهر ملتها.
(بندگردان)

سپاست گوئیم، ای بره خدا،
گناهان را برداشتی پاک کردی ما را.
(بندگردان)

ده فیض نوین، پر کن دل از مهرت!
هر جان افروخته به آتش روحت!
(بندگردان)

3: جلال باد بر نامش - To God be the glory

خدا را شکر بهر کار عظیمش؛ دنیا را دوست داشت و بخشید
فرزندش. جانش را فدا کرد بهر گناهان؛

راه حیات باز شد بهر همگان.

جلال باد بر نامش، دنیا بیدار شود!

جلال باد بر نامش، همه شادان شوند!

همگی به سوی خداوند آیید، شکر کنید از بهر کار عظیمش!

نجات کامل پاکی گناهان، خداوند بخشیده به ایمانداران.
گناهکار ترین شخص تا توبه کند، همان لحظه خدا او را می
بخشد.

(بندگردان)

خدا کارهای بس عظیمی کرده؛ در عیسی هر گناهی را بخشیده
یک روز همه پر از جلال می گردیم؛ ربنده می شویم تا او
را ببینیم.

(بندگردان)

4: شکر ای پدر - Blessed Be the Name

خدا ملجا و قوت من است؛ صخره قوی من اوست!

سپر و شاخ نجاتم خداست؛ قلعه بلند من اوست!

(شکر ای پدر؛ شکر ای پسر؛

شکر بر تو ای روح القدس!) تکرار

بیایید خدا را بسراییم، آواز شادمانی دهیم!

صخره نجات را بستاییم، در حضورش با حمد آییم!

(بندگردان)

در نام قدوسش فخر نمایید رویش را دایم طلبید!

کارهای عجیبش را ذکر کنید؛ نام یهوه را خوانید!

(بندگردان)

تسبیح بخوانید، تسبیح بخوانید، خدا را تسبیح بخوانید!
جمیع لشکرهای خداوند، نام او را تسبیح خوانید!

(بندگردان)

5: با خود ببر اسم عیسی - Take the Name of Jesus With You

با خود ببر اسم عیسی، ای فرزند حزن و غم؛
زیرا تو را خواهد شد آن، تسلی اندر ماتم!
(نام او چه شیرین،

شادان زان دل‌های ما!) تکرار

با خود ببر اسم عیسی، چون سپر به هر خطر؛
می شود کمک تو چون امتحانت آید بر!
(بندگردان)

بسرا آن اسم اعظم را، مرهم بود هر غم را؛

پس با خود ببر نام وی، دافع بود هر هم را!
(بندگردان)

به اسم عیسی شو ساجد، در حضورش شو راکع؛
چون سفر همی شود طی، سپاس خوان شو به شافع!
(بندگردان)

6: چه عظیمی - How great thou art

خدایا چون با حیرت خیره شوم، بر این عالم که تو خود
ساخته ای!
در اختران عظیم و رعد و برق، قدرت خود نمایان
کرده ای!

(آنگه ز جان و دل می سرایم:
"چه عظیمی، چه عظیمی!" تکرار

چو بینم درختان سبز و خرم؛ نوای بلبل آید به گوشم؛

از فراز کوه بینم دشت و دمن، هان، صدای نهر؛ نسیم
وطن!
(بندگردان)

چون فکر کنم خالقم فرزند خویش، دریغ نداشت از آن مرگ
پریش!
که بر صلیب بهر من فدا گردید؛ بار گناهان ز دوشم
غلطید.
(بندگردان)

چون مسیح آید با صدای شیپور، سوی سما شوم زین جهان
دور.
به پایش اتم با سپاس و درود، ز سر گیرم آنگه همین
سرود!
(بندگردان)

7: کلمه حیات! - Wonderful words of life

خوانیم سرود در وصف آن کلمه حیات.

آگاهیم از شکوه آن کلمه حیات.

(ای پیام ابدی، موجد ایمان تویی؛

تویی کلمه خدا، کلمه حیات!

تویی کلمه خدا، کلمه حیات!)

خداوند مسیح است همان کلمه حیات.

مژده بهر گنهکاران: کلمه حیات!

(بندگردان)

الهام بخش دل‌های ماست، کلمه حیات.

بخشنده صلح و صفاست، کلمه حیات!

(بندگردان)

ستایش به نام خدا، خالق موجودات!
ای جان، پرستش کن خدا را چون او هست نجات
شادی کنان با یکدیگر، مومنان، نمایید با او مناجات!

ستایش به نام سرچشمه قدرت!
نیکویی می کند، هم رحمت و هم محبت!
شگفت آور بود رحمت دادگر، به تو گر کند رفاقت!

ستایش به نام خدا از دل و جان کنید!
ای تمامی موجودات او را سپاس خوانید
با هم آمین سرایند همه زمین! با شادی او را سراپید!

9: حال در تو شادم! - O say but I'm glad

دارم در قلب خود سرودی، سرود شادمانی!
چونکه عصیانم را بخشیدی، حال در تو شادم!

(حال در تو شادم، شادم!)

حال در تو شادم!

مسیحا چون آمدی به قلبم،

حال در تو شادم!)

مهر عجیبت در دل دارم، هرگز غم ندارم!
در وادی تاریک نیز خوانم، حال در تو شادم!
(بندگردان)

غم و ناله ز من فرار کرد، چون ایمان آوردم!

عیسای خداوند شادم کرد، حال در او شادم!
(بندگردان)

10: مسیح باشد در من - Christ liveth in me

چون در گناه مرده بودم، قلبم پر از ظلمت!
با کلامش روشنم کرد، حال مسیح باشد در من
(مسیح باشد در من، مسیح باشد در من!
وہ چه نجاتی عظیم، کہ مسیح باشد در من!)

چون انوار آفتاب دهد حیات به هر گلی.
دهد نور و مهر و حیات، مسیح کہ باشد در من!
(بندگردان)

خواهم چون او رفتار کنم، چه شادی عظیم!
روح در من به وجد آید چون مسیح باشد در من!

(بندگردان)

11: جان من خداوند را متبارک بخوان! - O my soul bless thou

Jehovah

جان من خداوند را متبارک بخوان!
وجود من نامش متبارک خواند!
(اوست سلطان، تا ابد هلولیاه
خداوند، تا ابد هلولیاه!
اوست سلطان، تا ابد هلولیاه!
اوست سلطان و خداوند!)

جان من، خداوند را متبارک بخوان!
وجود من نامش متبارک خواند!
(بندگردان)

12: خداوند نیکوست، - He has made me glad

ای تمامی زمین خدا را بسرایید
آواز شادمانی دهید؛
خداوند را با شادی عبادت نمایید؛
به حضورش با ترنم آیید!
**(خداوند نیکوست، خداوند نیکوست؛
رحمت او تا ابدلاباد!) تکرار**

به دروازه های او با حمد و سپاس آیید،
به صحنش با تسبیح بیایید!

او را حمد گوئید و متبارک خوانید؛
زیرا که خداوند ما نیکوست!
(بندگردان)

13: هان چه دوست است ما را عیسی - What a friend we have in Jesus

هان چه دوست است ما را عیسی، که برده رنجهای
ما!

باید که طلب نماییم هر چیز از حق در دعا.
چه رنج و غم های زیاد هجوم آورده بر ما!
از آن رو که نمی خواهیم هر چیز از حق در دعا.

اگر تجربیات داریم، اگر زحمت در هر جا؛
ما را چه دلتنگی؟ بریم جمله نزدش در دعا!

آیا کسی باشد چو او تا بردارد غم ما؟
عیسی بداند ضعف ما؛ آریم نزدش در دعا!

خسته ضعیفیم جملگی در زیر بار فکرها!
عیسی پناه ما بود؛ آریم نزدش در دعا!
جواب ار چه تأخیر شود، اصرار می کن در دعا!
در ظلّ رأفت او؛ ما یابیم همی آرام را!

14: وقت دعا - Sweet hour of prayer

وقت دعا، وقت دعا، که سازد از دنیا جدا.
دعوت کنادم بر پدر، تا حاجتم سازد روا
گر غرق درد و محنتم، راحت بود آن دم مرا.
از امتحان گردم رها در وقتت ای وقت دعا.

وقت دعا، وقت دعا، عرضم رسد سوی سما

بر درگه رب رحيم، تو به پذير و رهنما
از او نمايم من طلب، تا فيض خود سازد عطا
راحت شوم از درد و غم، در وقتت اي وقت دعا

وقت دعا، وقت دعا، باشي تسلي ده مرا.
تا وقت آخر در رسد، يا منجي آيد از سما.
اين جسم خاكي افكنم، فاني شود غرق بقا
اندر حضور قدس او كامل شود وقت دعا

15: نزديك شوم بر تو - Nearer my God to thee

نزديك شوم بر تو، نزديك شوم؛ هرچند بود بر تو
مشكل راهم!

باز حمد كنم بر تو، نزديك شوم بر تو!

نزديك شوم بر تو، نزديك شوم!

هرگاه چون آواره در دشت روم، سر را شب تیره
برسنگ نهم؛

در خواب رسم بر تو، نزدیک شوم بر تو.
نزدیک شوم بر تو، نزدیک شوم!

بینم معراجی را بگذاشته اند، بسیار فرشته ها ایستاده
اند،

که خوانندم بر تو، نزدیک شوم بر تو!
نزدیک شوم بر تو، نزدیک شوم!

از شوق بر آرم پر، ره ساز کنم؛ از ماه و خور
برتر، پرواز کنم.

پس حمد کنم بر تو، نزدیک شوم بر تو.
نزدیک شوم بر تو، نزدیک شوم!

16: بمان با من - Abide with me

بمان با من، یا رب مهربان؛

راهم تاریک است پس با من بمان!
چون دور شوند یاران و یاوران، ای دوست بی کسان،
با من بمان!

این زندگی رسد زود به پایان،
فانی شود لذات این جهان.
تو امروز و فردا هستی همان؛ ای خداوند عیسی، با
من بمان!

به تو محتاجم هر روز و هر آن،
جز تو نیست کس که دور کند شیطان!
کیست مثل تو که باشد پشتیبان؟ در غم و در شادی با
من بمان!

در تاریکی صلیب توست تابان،
در وقت غم مرا کند شادان!

رهبر هستی به سوی آسمان؛ در موت و در حیات با
من بمان!

17: در تو جلال و در بقاست - Have thine own way

در تو جلال و در تو بقاست؛
ای که پرستش بر تو سزااست.
تو ازلی و تو ابدی، در تو بقا و بی تو فناست!

در گاه قدست پر از جلال،
نبیند نامت هرگز زوال.
قدوس، ای قدوس، خدای پاک، مجبت تو بی انتهاست!

نور حقیقت باشد رخشان
از تو که هستی نور جهان!
بی نور تو ما در ظلمتیم، از تو منور دل‌های ماست!

ما مسکینان و گنهکاران،
ما دردمندان و ما بی کسان،
از بهر درمان آمده ایم، چونکه درگاهت دارالشفاست!

18: شبیهت کردم - O to be like thee

خواهم شبیهت کردم، ای منجی؛ آرزویم اینست، هم دعایم.
فدایت سازم گنجهای عالم؛ تا که شبیه عیسی شوم!
(شبیهت کردم، شبیهت کردم! منجی عزیز پاکم بساز!
با مهرت بیا، پر ساز قلبم را! نقش کن صورتت در قلب من!)

شبیهت شوم پر از محبت، عفو و شفقت، مهر و الفت.
کنم دستگیری بیچارگان را؛ جویم آواره گمشده را.
(بندگردان)

شبیهت شوم، حلیم و قدوس، بی آزار و شجاع و صبور.
کنم تحمل ظلم دشمنان، بهر نجات گنهکاران.
(بندگردان)

نزدت می آیم شبیهت شوم، مسیح روحت را همی خواهم.

نزدت آورم هر آنچه دارم، عیسی همه را به تو دهم.

(بندگردان)

شبیت شوم در حین دعا، روح را به من عطا فرما!

بهر سکونت هیکنم بساز؛ در سما شوم با تو دمساز!

(بندگردان)

19: عیسی محب جانم - Jesus lover of my soul

عیسی محب جانم احیا کنی روانم!

غیر از تو در دو عالم نبود پناه جانم!

گر از کشاکش دهر دائم در امتحانم،

با نام قدوس تو خود را از آن رهانم!

بر بحر زندگانی کشتی ام را تو رانی!

آرامم، گرچه آید طوفان ناگهانی!

شادم از آنکه دارم همچون تو پشتیبانی!

دانم که تو سلامت بر بندرم رسانی!

ای مصدر جلالت وی منبع عدالت،
بر درگهت ندارم جز توبه و خجالت!
آواره، بنده بودم، گمگشته در جهالت!
لیکن مرا ز رحمت رهاندی از ضلالت!

20: عیسی به تو محتاجم - Stand up for Jesus

عیسی به تو محتاجم، چونکه گنهکارم.
غیر از تو نبود امید، در تو امیدوارم.
به منجی من محتاجم، در تو پناه آرم.
خون مقدس تو رفع عصیان کند.

عیسی به تو محتاجم، امید به تو دارم!
مسافر و غریبم، جز تو کس ندارم!
روحش شود هادی ام، باشد مدد کارم.
روشن نماید روحم، راهم عیان کند.

عیسی به تو محتاجم؛ سنگین بود بارم.
بار گناه خود را نزد صلیب آرم.
آرامی حقیقی بخشی، امیدوارم.
هر کس شود ز تو دور، دانم زیان کند.

21: دانم به که ایمان آوردم! - I know whom I have believed

ندانم چرا خداوند فیضش را عیان کرد!
ندانم چرا مسیحا جانش را فدا کرد!
(دانم به که ایمان آوردم!
یقین می دانم که او تواند،
حفظ کند امانتم را بهر آن روز عظیم!)

ندانم چگونه ایمان را در قلبم دمید!
نور کلامش غم را زدود، روشنی تابید!

(بندگردان)

ندانم چون روح القدس ملزم کند دل را!

ندانم چون ظاهر کند خداوند عیسی را!

(بندگردان)

22: عیسی خدایم - Fairest Lord Jesus

عیسی خدایم، شاه و مولایم، ای پور خدا و انسانها؛

تو را می پرستم، تو را می ستایم،

ای شادی و راحت من!

دشت و دمن بین! خرّم چمن بین! پوشیده لباس زیبا را،

خلقت از عیسی است زیبا و شریں است؛

بزدوده غم دل ما.

خور گرچه زیباست، ماه هم دل آراست، مریخ و سهیل و
پروین هم،

مهر مسیحا بهتر از آنهاست؛

گردون بنموده نورین.

منجی دوران، سرور جهان، ای پور خدا و آدمها،

شکوه و عزت و فر فراوان،

با نام تو در دو عالم.

23: عیسی یار مهربان - Simply trusting every day

عیسی یار مهربان؛ منجی و آرام جان؛

هردم از دستهای او، سر زد بس کار نیکو!

(بیماران را شفا داد؛ اسیران را کرد آزاد،

بچه ها را نوازش، خستگان را آرامش!)

با دست خود کرد او پای کسان شستشو؛
دست افتادگان را بگرفت و داشت برپا!
(بندگردان)

این دستهای مرا قوت بده ای خدا!
تا چون دو دست عیسی، خدمت کند به دنیا!
(بندگردان)

ما را آزاد گردان آرام و شاد گردان!
تا که کنیم ای خدا از دل پرستش تو را!
(بندگردان)

24: ای یار جان فشانم - Jesus lover of my soul

ای یار جان فشانم، امید زندگانی؛ عیسی مجب جانم، همدرد و
مهربانی.

بی تاب و بی قرارم، جز تو کسی ندارم.

ز آن ره سوی تو آرم، غمخوار بی کسانی!

آنکه که خسته باشم، یا دلشکسته باشم، از تو گسسته باشم، آغوش
خود گشایی؛

آغوش تو پناهم، درمان اشک و آهم.

بگذار تا بیایم؛ آرام جسم و جانی!

دریای زندگانی طوفانی است؛ دانی؟ لیکن نترسم آنی، چون تو بر
آن روانی!

این روح سرکش من، قلب مشوش من،

وین طبع ناخوش من، درمان آن توانی!

نیروی ناتوانان، نوای بینوایان، امید نابینایان، تو نور این جهانی!

ای راحت دل من، حلال مشکل من،

قلب تو منزل من، در پیری و جوانی!

25: یا رب مسیحی تر شوم - Lord I want to be a Christian

یا رب مسیحی تر شوم، در قلبم، در قلبم!

(یا رب مسیحی تر شوم، در قلبم!

در قلبم، در قلبم،

یا رب مسیحی تر شوم، در قلبم!)

یا رب محبت ایجاد کن، در قلبم، در قلبم...

(بندگردان)

یا رب هر روز پاکتر شوم، در قلبم، در قلبم...

(بندگردان)

یا رب مثل عیسی شوم، در قلبم، در قلبم...

(بندگردان)

اعتماد بر عیسی نیکوست، هادی و امید ما.
وعده های عالی از اوست، در کلام او پیدا.
(بر عیسی دارم اعتماد؛ آزمودم وعده اش را.
ای مسیح، منجی عالم، فیضت را عطا فرما!)

اعتماد بر عیسی دارم، بر آن خون پاک او
خون وی زدوده جرمم، محض فیض و رحم او.
(بندگردان)

اعتماد بر او شیرین است، آزادم ز قید و بند.
شادی و سرورم در اوست، در مسیح خداوند.
(بندگردان)

ای امید و شادی جان، دوست و منجی ام عیسی.
نور تو به رویم تابان، همدم شوی هر جا.
(بندگردان)

27: رهبرم اوست - He leadeth me

از دل سرود حمد خوانم، آرام و شادم چون دانم،
در هر مکان در هر زمان، هادی خداست، رهبرم
اوست!

(رهبرم اوست، رهبرم اوست؛ در هر تنگی رهبرم اوست!
در پیرویش امین مانم. مسرورم چون رهبرم اوست!)

هرگاه سختیها در رسند، غمها بر من هجوم آرند،
در میان طوفان باشم، آرامم چون رهبرم اوست!
(بندگردان)

در دست او این دست نهم، هرگز گله ای نکنم.
خشنودم چون که می دانم، قوتم اوست، رهبرم
اوست!
(بندگردان)

چون عمر من بسر آید، با فیض او ظفر آید.

از موج مرگ هر اسم نیست، با من خداست؛ رهبرم
اوست!

(بندگردان)

28: شادان باشید در خداوند - My Saviour's love

شادان باشید، ای عادلان، در منجی و رب جهان.
یأس و غم ز خود دور کنید، در فیض پیش روید با
امید.

(شادان باشید، شادان باشید در خداوند شاد باشید!)

شادان باشید، شادان باشید در خداوند شاد باشید!)

شادان باشید! خدای ما، وان خالق ارض و سما،
در جسم انسان گشت پدید، به خون خود ما را خرید.
(بندگردان)

گر ظلمت نمایان شود، یا اندوه و غم در رسد،
بر عیسی بدار اعتماد، آرامش دهد در نهاد!

(بندگردان)

رنج و محنت این جهان، اندک زمانی است بی گمان.
و عده داده مسیح ما آید با جلال خدا!
(بندگردان)

29: هر جا رهبری کنم - Where He Leads Me

چون صدای منجی آید، چون صدای منجی آید،
چون صدای منجی آید: "صلیب خود بردار و بیا!"
(هر جا رهبری کنم، هر جا رهبری کنم،
هر جا رهبری کنم، با او روم، روم همواره.)

گرچه از دره بگذرم، گرچه از دره بگذرم،
با او روم، روم، همواره. گرچه از دره بگذرم
(بندگردان)

گر روم تا جتسمانی، گر روم تا جتسمانی،
با او روم، روم همواره. گر روم تا جتسمانی،
(بندگردان)

او دهد فیض و جالم، او دهد فیض و جالم،
حفظ کند، کند همواره. او دهد فیض و جالم،
(بندگردان)

30: اعتماد بر صخره ای است - The Solid Rock

نجویم دیگر پناهی بجز خون و مهر عیسی.
نخواهم من دیگر قوی اعتماد هست بر عیسی.
(اعتماد بر صخره ای است که هر گز جنبش نخورد!
دیگر پایه ها باطل است!)

چون تاریکی گیرد فرا، فیضش بود هادی مرا.
هر چند طوفانها برخیزد، کشتی من محفوظ بُود.
(بندگردان)

از بحر تار زندگی، می گذرم به آرامی.
بر باد رود امیدهایم، ولی اوست مهر و امیدم.
(بندگردان)

چون وقت آخر در رسد، از مرگ آزارم نرسد.
با خون او عادل شده؛ او را خواهم دید پیوسته.
(بندگردان)

31: گرچه انجیر شکوفه نیاورد - Seek Ye First

گرچه انجیر شکوفه نیاورد، و امیدهایم بر باد رود.
میوه در موها همی یافت نشود، هم انتظارهایم محو
شود.

(آنگاه باز من، شاد خواهم بود؛

در خدایم

وجد و هم سرور خواهم نمود.)

گر حاصل زیتون ضایع گردد، در مزرعه محصول
نباشد،

گله ها از آغل منقطع شود، در طویله رمه
نباشد.

(بندگردان)

یهوه خداوند قوت من است، پایهایم را چون آهو
سازد؛

بر مکانهای بلند بی گمان، خواهد ساخت مرا او
خرامان.

(بندگردان)

پایدار بر وعده های شاهم عیسی؛ تا ابد تمجیدش کنم در هر جا!

همواره ستایش کنم خدا را. بر وعده های خدا پایدار!

(پایدار، پایدار، پایدار بر وعده های منجی ام، خدا!)

(پایدار، پایدار، بر وعده های خداوند پایدار!)

وعده هایش پایه ای محکم دارد؛ چون طوفان شک و ترس هجوم آورد،

کلام زنده اش پیروزی بخشد. بر وعده های خدا پایدار!

(بندگردان)

از روی کلامش یقین می دانم، خون عیسی پاک نموده گناهم.

اکنون من در منجی خود آزادم. بر وعده های خدا

پایدار!

(بندگردان)

پایدار بر کلام خداوند عیسی، محبت او مجذوب کرده مرا.

با شمشیر روح پیروزم بر دنیا. بر وعده های خدا پایدار.

(بندگردان)

پایدار بر کلام او ایستاده ام؛ ندای روح او باشد هادی ام.
در منجی خود آرامش می یابم. بر وعده های خدا پایدار!

(بندگردان)

33: ایمان آور، ایمان آور - Only Believe

ایمان آور، ایمان آور!

همه چیز امکان دارد؛ ایمان آور!

ایمان آور، ایمان آور!

همه چیز امکان دارد؛ ایمان آور!

ایمان دارم، می پذیرم.

همه چیز امکان دارد؛ ایمان دارم!

ایمان دارم ، می پذیرم.

همه چیز امکان دارد؛ ایمان دارم!

تصمیم گرفتیم در پی اش روم؛ (3 بار)

در پی عیسی هر روزه!

گر چه در پی اش نرود کسی؛ (3 بار)

در پی اش روم هر روزه!

پشت بر جهان و رویم بر صلیب؛ (3 بار)

در پی عیسی هر روزه!

35: عیسی بود نیروی ما - Jesus Shell Reign

ایمان ما در زندگی،
جنگی است دائم سر به سر!
عیسی بود نیروی ما، نیکو بجنگ و کن گذر!

چشمان بیفکن سوی او،
در جستجوی روی او؛
قوت بگیر از کوی او؛ هم راه اوست، هم راهبر!

ترس هرچه باشد دور کن!
ز عشقش سرت پرشور کن
دل را از او پر نور کن! گردد حیانت پر ثمر!

هستی عزیز و مهربان،
نزد مسیح، آرام جان!
پیوسته هر جا، هر زمان، جز او نخواهی تو دگر!

36: فیض عظیم مسیحا - Amazing Grace

فیض عظیم مسیحا، نجات داده مرا؛
سرگردان و کوری بودم؛ اکنون بینم او را.

فیض خدا ره‌ایم کرد، زهر ترس و گناه؛
ظاهر بنمود در مسیحا، محبت خود را!

فیض خدا در این دنیا، هدایت‌کننده،
پاکم سازد ز هر خطا؛ روح شادان شود!

فیض خدا در آسمان، تابد بر روح و جان؛
سرود و حمدش سراییم، این فیض بیکران!

37: هرگز ترکم نکند - Never Alone

"فرزند عزیزم، ترسان نباشی، زیرا حضور من ترکم
نکرده؛

پیوسته پیش روی تو باشم هادی،

در هر مشکل و سختی، دائماً گردم حامی."

(هرگز ترکم نکند، ترکم نکند؛ وعده مسیح زنده است، ترکم نکند؛

هرگز ترکم نکند، ترکم نکند؛ هر جا روم، حضور عیسی کنار من
است!)

تنهایی مردم را مضطرب کرده، روح و وجودشان را افسرده
کرده؛

لیکن انجیل برای ما مژده ای دارد:

مسیح، بهترین دوستان، ترکمان نمی کند!

(بندگردان)

خداوند نور من و نجات من است؛ از که ترسان شوم؟ ملجای

من است!

و عده مسیح است، ترکم نکند؛

روی او همراه آمده، آرامی خواهد بخشید!

(بندگردان)

38: دیروز، امروز و تا ابد - Yesterday, Today,

Forever

چون ایمان آریم پیغام انجیل شیرین است؛

دیروز، امروز و تا ابد عیسی همان است.

پاک نماید گناهان را؛ هم دهد شفا. تسلی دهد گریان را؛ جلال

بر نامش!

(دیروز، امروز و تا ابد عیسی همان است!

غیر از او همه چیز فانی است؛

جلال باد بر نامش! جلال بر نامش! جلال بر نامش!

غیر از او همه چیز فانی است. جلال بر نامش!)

دوست گناهکاران اکنون تو را می جوید؛ در حضورش شو
فروتن؛ تو را پذیرد.

"نکنم تو را محکوم دیگر گناه مکن!" گوید تو را با محبت، پس
قبولش کن!

(بندگردان)

با دست پر قدرتش داد شفا بیماران. درد و اندوه ما رود چون دهد
فرمان.

او که بخشید شفا محض لمس ردایش، هر که ایمان آرد به او، دهد
شفایش!

(بندگردان)

سوی عموآس خرامید با دو شاگردش؛ هر روزه با ما خرامد،
بینیم جلالش.

بزودی او را خواهیم دید: "زود آ مسیحا" همان عیسی خواهد آمد
که رفت به سما!

(بندگردان)

39: به عیسی بگو - Tell it to Jesus

گر خسته ای، دلت پر ز اندوه، به عیسی بگو! به عیسی بگو!

گر شادی و وجد گریخته از تو فقط به عیسی بگو!
(به عیسی بگو! به عیسی بگو! بهترین دوست تو اوست.
نیست در جهان دوستی بهتر از او؛ فقط به عیسی بگو!)

گر ز چشمانت اشک غم جاریست، به عیسی بگو! به عیسی
بگو!

گر گناहانی در دلت مخفی است، فقط به عیسی بگو!
(بندگردان)

از ابر تیره غم ترسانی، به عیسی بگو! به عیسی بگو!
گر ز فردای خود هراسانی، فقط به عیسی بگو!
(بندگردان)

گر از اندیشه مرگ لرزانی، به عیسی بگو! به عیسی بگو!
گر بازگشت مسیح را خواهانی، فقط به عیسی بگو!
(بندگردان)

دنیا گمره بود در ظلمت عصیان. نور این جهان است عیسی!
چه روشن نوری بر من است تابان! نور این جهان است
عیسی!

(چه خوش نوری که باشد رخشان!)

به آرامی به رویم تابان!

کوری بودم، بینایم الان.

(نور این جهان است عیسی!)

ظلمت نداریم چون هستیم در عیسی. نور این جهان است
عیسی!

روشنیم چون پیرویم هادیمان را. نور این جهان است
عیسی!

(بندگردان)

ای که در ظلمت گشته ای نابینا، نور این جهان است
عیسی!

به نورش بنگر تا گردی بینا! نور این جهان است عیسی!

(بندگردان)

41: در خون عیسی قدرت هست - Power In the Blood

گر از گناه آزادی می خواهی، در خون عیسی این قدرت
است!

گر بر شیطان تسلط می خواهی، در خون عیسی قدرت
هست!

(قدرتی است بی حد معجزه آسا، در خون مسیحا!

قدرتی است بی حد معجزه آسا، در خون برّه خدا!)

گر از غرور آزادی می خواهی، در خون پاکش این قدرت
هست!

از عادات زشت آزادی یابی، در خون عیسی قدرت هست!
(بندگردان)

گر خواهی از برف سفید تر شوی، در خون عیسی این قدرت
هست!

شفا از مرضهائیت می خواهی، در خون عیسی قدرت هست!

(بندگردان)

گر می خواهی او را خدمت کنی، در خون پاکش این قدرت
هست!

در زندگی ات تمجیدش کنی، در خون عیسی قدرت هست!
(بندگردان)

42: بر جلجتا! - At Calvary

عمرم در گناه سپری شد، فکر نکردم او برایم مرد.

فقط برای من بر صلیب، بر جلجتا!

(مهر و محبت بی حد بخشید، همه گناهانم را آمرزید.

آزاد شدم، بارم فرو ریخت؛ در جلجتا!)

از کلام خدا دانستم که شخصی پر از گناه هستم.

آنگاه با دعا نگریستم به جلجتا.

(بندگردان)

حال هر چیز را به او سپردم؛ اوست پادشاهم و
سلطانم.

از دل هلولیاه می خوانم، بر جلجتا!
(بندگردان)

بنگر محبت خدا را، فیضی که بخشیده عیسی را!
با صلیبش آزاد ساخت ما را در جلجتا!
(بندگردان)

43: بر خاکیان بادا نوید - When I Survey the Wondrous Cross

بر خاکیان بادا نوید، خیل بشر آگه کنید،
هر سو ندایی در دهید: مژده ز حق مژده رسید!

عیسی مسیح از آسمان، کرده جمال خود عیان.
در کسوت انسانیان، خلاق عالم شد پدید!

اندر پی گمگشتگان، چوپان نیکو شد عیان!

حتی به مرگ و بذل جان، آلام و زحمت را کشید!

عدل خدایی را نمود، عصیان مؤمن را زدود.
ای عاصیان، زود آیید، زود؛ گنج عزیزم دست
آورید.

روز نجات است، ای جوان، فرصت مده از کف
تو، هان!
عیسی دهد خط امان. برگرفته اش تکیه کنید.

44: به لطف و به نرمی - Softly and Tenderly Jesus

به لطف و به نرمی عیسی می خواند، گوید: "نزد من
بیا!"

بر در قلبت ایستاده می خواند، گوید: "نزد من بیا!"

(بیا، بیا! ای پریشان دل بیا!)

به لطف عظیمش عیسی می خواند.

هان، ای گنهكار، بيا!)

تأخير روا نيست چون عيسى مى خواند، گويد: " نزد
من بيا! "

رحمتش رد مکن تو را مى جويد، گويد: " نزد من
بيا! "

(بندگردان)

فرصت مى رود وقت تمام مى شود، گويد: " نزد من
بيا! "

تاریکی مى رسد، هم مرگ بر در است، عيسى
گويد: "بيا"

(بندگردان)

به مهرى بس عجيب وعده داده است، بخشيد گناهانت
را!

گر چه گنهكارى، رحمتش عظيم است. بشويد قلب تو
را!

(بندگردان)

وقتی چون گنهکاری، به پایش افتادم؛ در زیر بار گناه، عیسی
صدا دادم.

منجی شنید فریادم، از بند کرد آزادم. چون عیسی برداشت
بارم، مرا شادی بخشید.

(آری او برداشت بارم، بار گناهم را.)

آری او برداشت بارم، با مهر بی همتا.

عیسی شنید فریادم، از بند کرد آزادم.

چون عیسی برداشت بارم، مرا شادی بخشید.)

وقتی در غم و اندوه، مأیوس و سرگردان؛ ضعیف و دل
شکسته، در رنج بی پایان؛

صدای منجی آمد: "م با توأم دائم!" آنگاه او برداشت بارم،
مرا شادی بخشید.

(بندگردان)

راه حیات جاوید فقط عیسی داند. اوست رهنما و هادی، در
قلب من ماند.

وقتی به سما رسم، با حمد سرود خوانم. گویم: " او برداشت
بارم، مرا شادی بخشید."
(بندگردان)

46: آن صلیب کهن - The Old Rugged Cross

بر تپه ای عظیم، خارج از اورشلیم، بر پا گشته
صلیبی حقیر.

آن بره خدا، بهر گناه ما، شد مصلوب با رنجی بی
نظیر!

(آن صلیب افتخار من است،

چون بر آن منجی ام شد فدا!

در طریق صلیب پیش روم ،

تا رسم به جلال سما.)

آن صلیب کهن، رکن ایمان من،
گشته خوار در
افکار جهان.

چون فرزند خدا، ترک کرده ز سما، تا شود فدیة در
جلجتا!

(بندگردان)

آن صلیب کهن، عزت و جاه من، بخشید صلح و صفا
به جهان.

فیض و رحم خدا، آشکار شد به ما، در صلیب
مسیح عیسی!

(بندگردان)

47: **بین بر صلیب عیسی را - Near the Cross**

بین بر صلیب عیسی را، آن فرزند خدا
بهر گناهان ما، شد مصلوب از وفا
(نام او عزیز است، جان را کند شادان!
انوار رحمت او دل را کند تابان!)

خونش بشسته جرمم، از مهر و از رأفت.
نامش دهد تسلی، از فیض و از رحمت.
(بندگردان)

پشت و پناه من اوست، هم رهبر و معین.
دیگر چه غمی مراست، در روز واپسین؟
(بندگردان)

48: خون آن بره خدا - Nothing But the Blood

چیست علاج گناهم؟ خون آن بره خدا!
چیست درمان امراضم؟ خون آن بره خدا!
(ای نهر پر بها، طاهر کردی مرا!
قدرتی است بی همتا؛ خون آن بره خدا!)

چیست طهارت جانم؟ خون آن بره خدا!
تنها راه نجاتم؟ خون آن بره خدا!
(بندگردان)

چیست سرّ ظفر ما؟ خون آن بره خدا!
پیروزی بر هر گناه؟ خون آن بره خدا!
(بندگردان)

چیست رمز قدرت ما؟ خون آن بره خدا!
تنها عدالت ما؟ خون آن بره خدا!
(بندگردان)

49: دادی جانم بهم - I Gave My Life for Thee

بردی محنت بهم، بردی زحمت بهم.
بهر نجات از مرگ، دادی جانم بهم!

(دادی، دادی جانت بهرم؛ چه دادم من بهرت؟) تکرار

عرش برین ز احسان، مُلک پدر آن سان،

کردی ترک از بهرم؛ گشتی تو چون انسان!

(آری ترک کردی از بهرم؛ چه ترک کردم بهرت؟) تکرار

کشیدی بس زحمت، دیدی بسا محنت؛

رنج و غم و اندوه، هم خواری و ذلت!

(دیدی، کشیدی از بهرم؛ چه کشیدم بهرت؟) تکرار

آوردی از رحمت، نجات بی منت؛

بر ما ز مرحمت، هم عفو و محبت!

(آری آوردی از بهرم؛ چه آوردم بهرت؟) تکرار

نزد مسیح رفتی که پاکت کند؟ با خون بره شسته
شدی؟

امید کامل به فیض او داری؟ با خون بره شسته
شدی؟

(با خونش پاک شدی؟ با خون شفا بخش مسیح؟

رخت خود را چون برف سفید کرده ای؟

با خون بره شسته شدی؟)

هر روز با منجی ات راه می پیمایی؟ با خون بره
شسته شدی؟

در عیسای مصلوب آرامش یافتی؟ با خون بره شسته
شدی؟

(بندگردان)

رخت گناه آلود از خود دور افکن! با خون بره خود را
بشوی!

چشمه سرخ فام برای تو جاریست؛ با خون بره خود را
بشوی!

(بندگردان)

51: پناهم شد آن صخره - Rock of Ages

پناهم شد آن صخره، در او مسکن گزینم.
خون و آب جاری گشته ز پهلوی منجی ام.
گناهم را گشت چاره؛ بشست قلب سیاهم!

احسان و خیر و ثواب، نسازد طاهر قلبم.
گرچه ریاضت کشم، روز و شب ریزد اشکم،
هیچ یک نشوید مرا؛ تنها تویی چاره ام!

کنون نزدت می آیم، به صلیب می نگرم.
عریان ز نیکویی ام؛ تو بپوشان این تنم!
چشمه پهلوی تو، زداید هر لکه ام!

چون دم آخر رسد، مرگ ببندد چشمانم،
پرواز کنم به سما، تو را بر تخت ببینم!
پناهم شوی آنگه؛ در تو مسکن گزینیم!

52: ای منجی و ای شاه من - Just as I Am, Without One Plea

ای منجی و ای شاه من، تویی فقط دلخواه من!
خونت ریختی در راه من؛ کردی رفع گناه من!

هلاک بودم بدور از تو؛ نجات یافتم در خون تو.
وجود من مدیون تو؛ چون ذبح شدی در راه من.

از بهر من مصلوب شدی، چون خطاکار محسوب
شدی.

در قلب من محبوب شدی، صلیب توست نگاه من.

هدایتم کلام توست؛ عدالتم قیام توست.
سعادت من در نام توست، در این عمر کوتاه من.

در شب تار دیجورم، تویی ستاره نورم.
در وادی موت مسرورم، چون تو هستی همراه
من!

53: مهر منجی ام - My Saviour's Love

پر از حیرت می نگرم، بر عیسی ناصری!
من گناهکار را دوست داشت، جان داد بهر آدمی.

(چه عجیب و پر شگفتی است! باید هر دم سرایم!
چه عجیب و پر شگفتی است، مهر منجی ام عیسی!)

وقتی در باغ دعا کرد، گفت: "پدر هر چه خواهی کن!"
بهر من، نه از بهر خود، درد کشید و عرق ریخت!
(بندگردان)

فرشتگان سماوی بر او دل بسوزاندند!
در رنجها و در غمگینی، تسلی وی را دادند.
(بندگردان)

54: بینم ز دل تو را، ای بره خدا، - My Faith Looks UP to
Thee

بینم ز دل تو را، ای بره خدا،
یکتا منجی!
بشنو دعایم را، پاک کن گناهم را!

باشم من دائماً با تو همی!

ده فیضت ای خدا، تا بخشدم قوا،

هم قدرتی!

بهرم دادی جان را؛ عشقم فزون فرما!

تا که افروزدا در دل ناری!

عمرم چو شد فنا، موت گیردم فرا،

باشی هادی!

بزدا تو ظلمت را، هر اشک و محنت را!

در نزد تو مرا بُود جایی!

55: روح القدس به ما قوت فرما عطا - Blest Be the Tie That Binds

روح القدس به ما قوت فرما عطا،

تا آنکه نور رحمتت روشن کند جان را

وین قلب جامد را بگذار و غالب آ،
بر جمله افکارم بدم سلطه عطا فرما.

ایمان نو بخشا، شک را بیر از ما!
دلهایمان کن مشتعل با حب بی فنا.

حمد از زبان من، تسبیح زبید تو را.
پس صرف خدمتت کنم باقی عمرم را.

باران آخر می خواهیم، این است وعده خدا؛

کز منجی نازل می شود باران روح خدا.

(باران آخر، باران روح القدس؛

قطره های فیض می بارد؛ رگبارش را می خواهیم!)

باران آخر می خواهیم، که بخشید حیاتی نو!

بر روی باغ کلیسا، ای روح، اکنون نازل شو!

(بندگردان)

باران آخر می خواهیم، نهرهای آب زنده؛

تا سیراب شود این دشتها، همه دل‌های تشنه!

(بندگردان)

باران آخر می خواهیم، از بهر پیر و جوان!

نام مسیح را بخوانیم، با دلی پر از ایمان!

(بندگردان)

57: دانیال وار در نبرد به پیش بتاز - Dare to Be a
Daniel

پیرو منجی ات باش مطیع و غیور؛ مانند دانیال نما
زندگی در نور!

(دانیال وار در نبرد به پیش بتاز؛

با فیض مسیح از خود دانیالی بساز!)

زور آوران بسیار سقوط کرده اند؛
خدای دانیال را هرگز نشناخته اند.
(بندگردان)

در سنگر دعا باش تا پیروز شوی؛
مانند دانیال بهر شهادت روی.
(بندگردان)

بشارت مسیح را به هر جا رسان؛

شیطان را سرکوب نما با سعی و ایمان.
(بندگردان)

58: به پیش ای سرباز - Onward Christian soldiers

به پیش، ای سرباز، مسیح بهر جنگ؛ در این کارزار
نباشد روا درنگ. پرچم
عیسی را بین در اهتزاز، به نیروی روحش بر
دشمن بتاز!

**(به سوی پیشوای ایمانت بنگر!
به نیروی روحش شوی پیروز گر!)**

به خون بره شو بر دشمن پیروز، به کلام شهادت خود هر
روز.

با همقطاران یكدل و یکجان، در سنگر دعا نامش را
بخوان!

(بندگردان)

نیروی جهان زوال پذیرند، قدرتهای گوناگون فرو ریزند.
لیکن بر کلیسا نشود چیره، درهای جهنم بر خون بره!
(بندگردان)

چون شیپور فرشته کند صدا، شاه آسمانی گردد هویدا.
به پیشوازش رویم همه در فضا، در آنجا ببینیم جلال خدا!
(بندگردان)

59: دهید مژده سلامتی - O Zion Haste publish glad tidings

ای مومنین، شما عالم را نورید. در این زمان تار و پر
ظلمت،

به انتشار این مژده مأمورید، که خداوند پدری است پر
رحمت!

(دهید مژده سلامتی!)

مژده عیسی، نجات و آزادی!)

اینک اکنون صدها هزار نفرند،
گمراه شده، اسیر
گناهان؛

افسوس که این اشخاص هم بی خیرند،
که یکی هست منجی
گمراهان!

(بندگردان)

آگاه کنید هر قوم و هر ملت را
که خداوند ایشان را
دوست دارد.

مخبر سازید هر شخص و هر امت را
که مسیح مرد تا هرکس
زیست کند.

(بندگردان)

اعزام دارید پس فرزندان خود را؛
اموال دهید برای این
تلاش!

فدا کنید در این راه جان خود را!
مسیح شما را می دهد
پاداش!

(بندگردان)

60: نهر های آب حیات - Channels Only

خداوندا، حمدت گوئیم، بهر نجات از گناه؛
از پری ات بهره یافتیم، اندر این مسیر و راه.
(قوتت در ضعف انسان کامل گردد، ای خدا؛
نهرهای آب حیاتت، جاری است از بطن ما.)

چون غلامان بی منت، مطیع امر توئیم؛
چون چراغ و نوری تابان، امداد کن تا درخشیم.
(بندگردان)

شاهدان فیض توئیم، مبشر کلامت؛
مژده انجیل رسانیم، مظهر فیض و رحمت.
(بندگردان)

خداوندا، پر نما از روح خود دلهای ما؛

تا با فیض و قوت او، خدمت کنیم در هر جا.
(بندگردان)

61: هان به پیش، هان به پیش! - Marching on

سعی و کوشش نما، ای غلام خدا؛
پیش به سوی طریقی که اوست رهنما.
نور و مهر مسیحا درخشد ز ما؛
ترس و خوف دور کنیم در پناه خدا!
(هان به پیش، هان به پیش! ای مسیحی به پیش!
با امید و صبر، رجعت او را خواهیم.)

سعی و کوشش کنیم، مژده اش را رسانیم؛
تشنگان را به نزد مسیح آوریم.
فخر ما صلیب است داوری دردمندان،
ز آنکه عیسی بر آن گشت فدیة جهان.
(بندگردان)

هان بکوش، هان بکوش، در حصاد خدا!
چون مسیح خود بُود هادی و رهنما!

حمد و تجلیل نما نام رب رحیم؛
و آنگهی کن ندا آن نجات عظیم.
(بندگردان)

62: با شادی برای او دست زنید! - The trees of the field

با شادی بیرون روید، از او هدایت شوید؛
که کوه ها و تپه ها با شادی ترنم خواهند نمود.
آنجا فریاد شادیست؛ دستک زنید با شادی!

(پس با شادی برای او دست زنید!)

با شادی برای او دست زنید!
با شادی برای او دست زنید! اگر خواهید شاد
باشید!

وقت کم است ای عزیزان، مسیحا بزودی می آید؛
باید آماده باشید، آماده، آماده دیدن او!

با شادی بیرون روید، از روح...

(بندگردان)

63: چه روز پر جلالی است - When We All Get to Heaven

مهر مسیح را سراپیم، فیضش را اعلان کنیم.

بهر مکان پر جلال که خداوند بنا کرد!

(چه روز پر جلالی است، وقتی رخس را روبرو
بینیم!)

با شادی حمدش کنیم، آهنگ ظفر را بخوانیم!)

گرچه راه های ما تنگ است راه صلیب و زحمت.

لیک مسیح همدم ما است تا آن روز پر جلال!

(بندگردان)

دردهای زمان حاضر، محو شود در جلالش.

لبخند زیبای مسیح قلبها را تسکین دهد!
(بندگردان)

دروازه های آسمان به روی ما گشوده؛
شاه شاهان در جلاش ما را سوی خود خواند!
(بندگردان)

64: روز مبارکی است - What a Day that will Be

روزی آید که درد و غم نباشد دگر؛
آسمان صاف و بی ابر، چشمی گریان نی دیگر.
شادمانیم در سما، در آن ساحل طلا!
روز خدا به دل دهد جلا!

روز مبارکی است؛ عیسای خود ببینم!
ای خدا، کن نصیبیم؛ من در رهن آن راهم!

نجات داد جان مرا، در مقام کبریا!
روز خدا به دل دهد جلا!

نی اندوه و نی غم؛ نی بیماری نی آلم!
تا ابد مکانم؛ پایان جدایی ام!
نزد شاهم عیسی که بهرم برده جفا.
روز خدا به دل دهد جلا!

65: عیسی امید پر جالم - Blessed Assurance

عیسی امید پر جالم، به آسمان باشد او رهبرم.
وارث نجات، ملک خدا؛ مولود روح شسته مرا.
(تا دم آخر شاهد هستم، محبت او را سرایم!
تا دم آخر شاهد هستم، محبت او را سرایم!)

تسلیم اویم خوانم سرود، در انتظارم تا او آید زود.
فرشتگانش نزول کنند؛ پیام مهر و فیض آورند!
(بندگردان)

آرامش دارم چون مطیعم، در منجی خود شاد و
مسرورم.
در انتظار بازگشت او، غرق محبت در فیض او.
(بندگردان)

66: چه زیباست آسمان - Sweet By and By

بین شکوه و جلال سما، محض ایمان بینیم آن سرا!
و عده فرموده او این چنین: تا دهد ما را خُلد برین.
(چه زیباست آسمان، فارغ از اشک و درد و فغان!)

چه زیباست آسمان، چونکه برّه بُود نور آن!)

حمد و تجلیل و شکرش کنیم؛ با دعاها حضورش
رویم!

چون خدای پدر بهر ما، بی دریغ کرد پسر را فدا.
(بندگردان)

وه چه فیض عظیمی نمود، هر گناه دلم را زدود.
بنگر این رحمت بیکران؛ خوانده از هر نژاد و
زبان!
(بندگردان)

چونکه ساکن شویم در سما، تاج عزت بُود ارث ما؛
وان مسیح منجی و شاه نیک، باشد اندر سرودها
شریک!
(بندگردان)

چون شیپور خداوند کند صدا ز آسمان،
دمد آن صبح پر جلال و رخشان!
به عالم بالا روند همه نجات یافتگان!
چون خوانند نامها را، باشم در آنجا!
(چون خوانند نامهای ما را، چون خوانند نامهای ما را،
چون خوانند نامهای ما را، چون خوانند نامها را، من باشم آنجا!)

مردگان در مسیح برخیزند در آن صبح رخشان
با شکوه قیامش گردند عیان!
چون گرد آیند جمله برگزیدگان در آسمان،
چون خوانند نامها را، باشم در آنجا!
(بندگردان)

تا زمان باقیست، کنیم کار و کوشش بهر عیسی؛
مژده فیضش رسانیم در هر جا.
تا چون به پایان رسد عمر و کار ما در دنیا،
چون خوانند نامها را، باشیم در آنجا.

(بندگردان)

68: بشنو هاتف سرايد - Hark the Herald Angles Sing

بشنو هاتف سرايد، انوار شاه موعود؛
تابيده سوي عالم، با رحمت آمد فرود.
ای مؤمنين برخيزيد، با صوت و حمد و درود!
(با عرشيان گوييد: شد در بيت لحم مسيح مولود.)
تکرار

ای عاصيان بشارت، کز نزد رب جليل،
با جمله ملائک، اين مژده جبريل:
در جسم خاکی آمد، عيسای عمانوئيل!
(خواست زيستن چون ما با ما، حق را نماييد تجليل.)
تکرار

سراييد ای مؤمنين، حمد بر روح عدالت!
کو ما را کرده آزاد، از ظلمت جهالت.

خود را محروم کرد عیسی، از عزت و جلالت!
(تا ما گمگشتگان را برهاند از ظلمات.)

تکرار

69: ای بیت لحم - O Little town of Bethlehem

ای بیت لحم از قدر تو کاهیده کوچکیت،
سکوت آسمان تو محو کرده زندگیت.
لیکن در تو رخشان است نور هر دو عالم؛
امید عمر ما، همه پیدا در تاریکیت!

زآنکه مسیحا، شاه ما، اکنون مولود گشت.
آن نور و آن مظهر حق اکنون بر ما رسید.
شادی و وجد بنمایید، ای مومنان، از دل.
مژده صلح به خلق دهید، خدا را حمد کنید!

بر مؤمنان بادا نوید که نور حق، عیسی،
بهر گناهکاران آمد، بنماید جان فدا.
ای عاصیان، بگشایید قلب پر از خطا،

تا دوست گمراهان آید، در آنجا گیرد جا.

جلوه حق، ای مسیحا، در قلبم جا گیر
لطفت عیان گردان به من؛ دور مکن از شریر
هر چند قلبم ناپاک است، بیا، بیا، بیا
با نور پاک خود، گردان این قلبم را منیر

70: هل تا جهان شادان شود - Joy to the World

هل تا جهان شادان شود، ربش سلطان شود!
منزلگهش، قلب بشر!
(عرش سرایان شود!) 3 بار

برخاکیان مژده دهید، منجی رحمان بُود!
طوفان و بحر و کوه و دشت،
(همی شادان بُود!) 3 بار

بیخ گنه خشکیده شد، خارش بریده شد!
حق رحمتش جاری کند،

(هرجا لعن دیده شد!) 3 بار

نظم جهان از او بُود، هم او رحمان بُود!
خلقش ثنا خوان، کاین همه،
(عدل از سبحان بُود!) 3 بار

71: در شب تیره شبانان - While Shepherds Watched Their Flocks

در شب تیره شبانان، گله ها را پاسبان؛
شد فرشته نازل آنگاه؛ با جلال از آسمان.

در عجب گشتند و ترسان؛ گفت ایشان را سروش
مژده آوردستّم ایندم، سوی من دارید گوش:

آنکه اندر شهر داود گشت مولود این زمان،
منجی عالم مسیحا، این است او را نشان،

کان سمای طفل زیبا، آشکارا نی نهان،
با قنذاقی بس محقر، کرده در آخور مکان."

پس گروهی از ملائک آمدند از آسمان؛

با سرود و با ترنم، حمد کردند بیان:

هست در بالا جلال حق، زمین پر از رضا،
صلح و آرامش ز یزدان، هست بر ارض و سما.

72: از شرق ماییم پادشاهان - We Three Kings of Orient Are

از شرق ماییم پادشاهان، چشم دوخته سوی آسمان؛
دشت و کوه و دره طی کرده، آمده ایم الان.

(ای... نور دلربای ما، تویی رهنمای ما!
دائم رخشان نور خود را، مشو تو از ما نهان!)

من تقدیمت می کنم، هان! این طلای تاج شاهان!
تا که سلطنت تو را تا ابد ببند جوان.

(بندگردان)

من کندر آوردم، جلال! بهر شاه ذوالجلال!
او مظهر حق، مسیح موعود، باشد بیزوال!
(بندگردان)

مُر من شاهد نیکوست! طعمش تلخ و خودش بد
بوست!

زانکه این مولود زایل کند غم و درد از جهان!
(بندگردان)

نام او را حمد و ثنا، می خوانند در ارض و سما!
هللویاه هللویاه، ملائکند گویان!
(بندگردان)

73: آید او را پرستیم - O Come All Ye Faithful

گرد آید ایمانداران، شادان و فیروز!
گرد آید، گرد آید، در بیت لحم!
شاه ملائک گشته مولود امروز!
(آید او را پرستیم، آید او را پرستیم!
آید او را پرستیم؛ مسیح عیسی!)

ای جمله ملائک، با شادی سراپید!
از کل کاینات، تسبیح بخوانید!
"خدا را مجد باد در اعلیٰ علین!"
(بندگردان)

آری، خداوندا، عزیزت می داریم.
ای عیسی، ما به تو سجده می آریم!
کلام خدا، اینک شد مجسم.
(بندگردان)

74: امشب چه فرخنده شبی! - Silent Night! Holy Night!

امشب چه فرخنده شبی!
قدوس و رخشنده شبی!
طفلی به پیش مادری، خفته است اندر آخوری.
صلح و صفا از اوست! مهر و وفا از اوست!

امشب چه فرخنده شبی!
قدوس و رخشنده شبی!
دیده شبانان این زمان، فوج ملک آوازه خوان،
اینک عید میلاد، خدا را جلال باد!

امشب چه فرخنده شبی!
قدوس و رخشنده شبی!
آورده ای با خود کنون، فیض خوشی از حد فزون.
باشی رهاننده! جاوید و پاینده!

75: کرده قیام مسیحا! - Christ the Is Lord Is Risen Today

کرده قیام مسیحا، هلولیاه!
روزی است شادی افزا؛ هلولیاه!

بهر نجاتت ای یار، هلولیا!
جان دادی بر روی دار؛ هلولیا!

جان را به کف نهادی، هلولیا!
ما را تو نجات دادی، هلولیا!
درد و غم تو باری، هلولیا!
بخشیده رستگاری هلولیا!

از حال و تا قیامت، هلولیا!
حمد و ثنا به نامت، هلولیا!
بهر تو ای خداوند، هلولیا!
فرشتگان سرایند، هلولیا!

در خاک کردند آنها جسم عیسی را،
او که گردید مصلوب، مرد بهر ما!

(کرد او ز قبرش قیام! هان غالب شد او بر دشمنان!
فتح و پیروزی نصیب او گردید! سلطنت از او آست، تا ابد
جاوید!

کرد قیام، کرد قیام! هلولیاه، کرد قیام!)

او کی ماند در قبر؟ بیند فساد را؟
نیست آنجا جای آن، پور خدا!
(بندگردان)

گشوده قبر خود، کرد آزاد خود را!
گشت غالب او بر مرگ؛ شد شاه ما!
(بندگردان)

77: عیسی برخاست امروز! - He Lives

منجی قیام کرده را خدمت نمایم؛ دانم که او زنده و حاضر در
بین ماست.

دست پرمهرش بینم، صدایش شنوم؛ در وقت احتیاجم
حضورش را خواهم.

(برخاست، برخاست، عیسی برخاست امروز!)

از مردگان عیسی برخاست، بر مرگ غلبه یافت!

برخاست، برخاست، عیسی برخاست امروز!

در قلب خود دانم مسیح برخاست از مردگان!)

در سختیهای عمرم لطف او را بینم؛

چون دلتنگ شوم، آنکه جلالش را بینم!

در وقت تنگی، مسیح رهبری ام کند.

تا وقت آمدنش، هر روز حفظم کند!

(بندگردان)

شاد باشید، سرود خوانید، مسیح را حمد گویند

هللویاه، به عیسی شاه شاهان گویند.

امید و ملجاء دنیا را بستابید،
عیسای بی نظیر را با هم بر افرازید.
(بندگردان)

78: شاد باش، ای روح - Be Still, My Soul

شاد باش، ای روح، خدا همراه توست؛
کن تحمل صلیب رنج و درد.
بسیار به او، هر درد و غم در توست، زیرا که او با کس
جفا نکرد.

(شاد باش، ای روح، چون دوست تو آخر،
می کند خوش پایان این نبرد!)

شاد باش ای روح، خدا هادی توست؛
دستت گیرد همچون که کرد در پیش.
مگذار امید و اعتبار تو، ترکت کند نه در کم نه در بیش.

(شاد باش، ای روح، چون باد و موج هنوز
یاد آورند فرمان شاه خویش!)

شاد باش، ای روح، آنروز نزدیک شود؛

ما با مسیح باشیم تا جاودان.

آنکه که ترس و غم از ما رود، از محبت مملو شود روان.

(شاد باش، ای روح، چون درد و غم گذشت؛

تو را بینم، پیروز و شادمان!)

79: گویم رهاندم فیض او! - Saved by Grace

یک روز این روح خواهد گریخت؛ مفتول عمر خواهد
گسیخت!

ای خوش آن روز کنم قیام، در قصر شاه گیرم مکان!

(خواهم دید او را روبرو، گویم رهاندم فیض او!)

تکرار

بنای عمر گردد خراب، روم چو دیگران به خواب؛

دارد منزل خدای من، در قصر خود برای من.

(بندگردان)

خورشید عمر گردد نهان، بیرون روم از این جهان؛
استاد از من راضی شود، در نزد خود مأوا دهد.
(بندگردان)

دارم نظر به روی او، خواهم روم به سوی او؛
چون بگذرد ایام من، رسد بدو پیغام من!
(بندگردان)

80: دوست دارد مرا عیسی - Jesus Loves Me! This I Know

دوست دارد مرا عیسی، خواندم در انجیل این را.
او گرفت در آغوشش، کودکان کوچک را!

(آری دوست دارد، آری دوست دارد.
آری دوست دارد؛ کتاب مرا گوید.)

دوست دارد مرا عیسی، دعوت می کند مرا!
برای نجات من، او فدا کرد جانش را!
(بندگردان)

دوست دارد مرا عیسی، می شنود دعایم را!
آن چوپان مهربان، نگهدارم هست هر جا!
(بندگردان)

81: وسیعتر از دریاها - Wide, Wide As the Ocean

وسیعتر از دریاها، بلند تر از آسمانها!
از دریا بی پایانتر، مهر عیسی!
گرچه نالایقیم ما، فرزند خالقیم ما!
کلامش می گوید که مهرش می رسد

در هر جا!

82: شادم که عیسی دوست داردم - Jesus Loves Even Me

بس شادم که پدرم از آسمان، لطف خود را در کتاب کرد
بیان.

امری بس عجیب در انجیل بینم،

که منجی ام عیسی دوست داردم.
(شادم که عیسی دوست داردم، دوست داردم، دوست داردم.
شادم که عیسی دوست داردم، عیسی دوست داردم.)

اگر او را فراموش کنم، باز هم دوست دارم هر جا روم
چون از محبتش دارم نوید،
زود به پناهِش باز خواهم دوید.
(بندگردان)

وقتی که نزد خدا می ایستم، گرچه سرودی بیشتر ندارم،
خوانم سرود جاوید، آن سرود را،
عجب که عیسی دوست دارد مرا!
(بندگردان)

دانا خانه روی صخره کرد بنا (3 بار)

و باران بسیار بارید!

باران بارید و سیلاب شد؛ (3 بار)

و خانه اش ماند برقرار!

نادان خانه روی ماسه کرد بنا، (3 بار)

و باران بسیار بارید!

باران بارید و سیلاب شد؛ (3 بار)

و خانه اش ویران شد!

قلب من در گرو مهر مسیحا ست؛
از که ترسم حامی و غمخوارم اوست!
دل آلوده من پاک ز گنه شد، روح افسرده ام شاد و
آرام شد!

(کیست مانند خداوند عیسی،

پر ز رحمت و مهر و صفا!
غیر از او نیست کسی دارو و درمانم.
دائم او را سرایم!)

در فساد و تباهی آواره بودم؛
شادی رخت بر بسته بود از وجودم.
آنگه عیسی بر من مسکین نظر کرد؛ ناپدید شد از وجودم غم
و درد!
(بندگردان)

اعتمادم بر او افزون شود هر آن؛

و عده هایش دهد قوت و ایمان!

اکنون جان و وجودم مسکن عیسی است؛ قلبم پر از مهر
فرزند خداست!

(بندگردان)

85: تقدیمت کنم - I Surrender All

هر چه دارم از ته دل، تقدیم عیسی کنم؛
پیوسته در حضور او با اطمینان پیش روم.
(تقدیمت کنم، تسلیمت کنم؛ همه چیز را ای خداوند،
تقدیمت کنم!)

با تواضع، در پیش تخت خدا زانو زنم؛
از خوشی زود گذر این جهان دل برکنم.
(بندگردان)

زندگی ام ای خداوند، تقدیم دستهای توست؛
همواره اعتمادم در خون پربهای توست.
(بندگردان)

با روحت پر ساز وجودم، شادی، قوت کن عطا؛
با کلامت، با حضورت، کن سیراب جان مرا.
(بندگردان)

86: ای آتش، روح خدا - Fill My Cup, Lord

بخشنده روح پاک ما را پر ساز، با نهر سماوی خود.
سیراب ساز تشنگی ما، از منبع آسمانی خود.
(ای آتش، روح خدا، شعله ور ساز وجود ما را!
سوزان در ما، ریشه هر گناهی، تا شویم شبیه تو ای عیسی.
(

تعمید دهنده به آتش روح؛ قرار ده بر ما مسح خود.
بهر تو ثمر آوریم؛ قوت یافته شاهدانت شویم.
(بندگردان)

با آتش مهرت ای روح خدا، گرم ساز قلب های سرد
ما.

از عشق تو لبریز شویم، ذوب شده، همچو مسیحا
گردیم.

(بندگردان)

87: صاحب حصاد سخن گوید: - Speak My Lord

صاحب حصاد سخن می گوید: "کیست بهر خدمت من
رود؟"

کیست که گمشدگان را صید کند، طریق تنگ را نشان
دهد؟

(می شنوم، خداوند؛ گر بخوانی مرا، می شنوم.

می شنوم، خداوند؛ گوش بفرمانم، مرا بفرست.)

بشنوید فریاد تلخ خلق ها، رو به دوزخ روند میلیونها!
بهر آزادی آنها کوشید، بهر خدمتش لبیک گوید.
(بندگردان)

چون لبهای ناپاک نبی را، پاک نمود آتشی از بالا!
ندا رسید: "کیست رود بهر ما؟" جواب داد: "لبیک
بفرست مرا."
(بندگردان)

موسم حصاد زود تمام شود، زندگی ما بسر رسد!
گوید صاحب حصاد: آفرین، شادان باش ای غلام امین.
(بندگردان)

88: چون او زنده است - Because He Lives

خدا فرستاد، پسرش عیسی را؛ با مهر شفا داد و عفو فرمود.
او زیست و مرد، تا آزاد سازد؛ قبر خالی گوید منجی
ام زنده است.

(چون زنده است، از فردا نترسم.
چون زنده است، ترسی ندارم
چون دانم آینده در دست های اوست؛
پس زیستن ارزش دارد، چون او زنده است.)

روزی که من از، نهر موت بگذرم، رنج هایم به پایان می
رسد.

چون پس از مرگم، آید پیروزی؛ با چشمانم بینم که عیسی
زنده است.
(بندگردان)

بزودی عیسی، به جهان باز آید. ای عزیزان دانید وقت کم
است.

وقتی او آید، ایماندارن را، به حضور پر جلال خدا
برد
(بندگردان)

89: در آن شب مقدس - O Holy Night

در آن شب مقدس و فروزان، منجی من، مولود گشت در
این جهان

تشگان عالم در انتظارش، تا او ظاهر شود در جلالش.
کلمه جسم گردید و آشکار شد؛ نوری عظیم بر ما طلوع
نمود.

(تمجید کنید، سرودها بسرایید!)

(اندر حضور آن مولود زانو زنید.) تکرار

راه مسیح، محبت حقیقی است؛ انجیل او، مژده سلامتی
است.

در قوت نام مسیح شود دور، غم و اندوه، وانگه بخشد
سرود.

سرودهای شادمانی نعمت اوست؛ همه از رحمت و
فیض خداست.

(بندگردان)

چیزهای کهنه اینک در گذشته؛ با لطف او، همه چیز
تازه شده.

معنی و عطر زندگی در عیساست؛ او محور خوشبختی
شماست.

در او باشد جواب هر تقاضا؛ چون اوست یگانه فرزند
خدا.

(بندگردان)

90: بهشت آمد و پر ساخت جانم را - Heaven Came Down

وہ چه روز عظیمی بود آن روز، نمی رود ز یادم
بعد از گمشدن در گناہانم، عیسی مسیح را یافتم
وہ چه دوست مہربان و دلسوز، کہ نیازم بر آورد
روز سیاه رود شادیہا آید، چون عیسی سایہ زدود

(بهشت آمد و پر ساخت جانم را)

صليب عيسى طاهر ساخت مرا
گناهانم پاك شد. شبهای تاریك روز شد
بهشت آمد و پر ساخت جانم را)

مولود روح، حیاتی دوباره، در ملکوت سما
عدالت کامل، عشق مسیح، وعده هایبست از خدا
آدم نزد او با عصیانم، پوشانده شد عریانم
یافتم از فیضی که نجات می بخشد، شکر بر بانی نجاتم
(بندگردان)

حال امیدی هست که باشد باقی، بعد از سالیان سال
دارم با حتم آینده ای روشن در آن اطراف شمال
دلیل لطف او ایمانی بود، که در صلیب آوردم
ثروت ابدی و برکاتش از دستان فیضش یافتم
(بندگردان)

91: کودک مریم، عیسی - Mary's boy child

آن زمان در شهر بیت لحم،
انجیل می گوید این را،

در این روز تولد یافت،
کودک مریم، عیسی.

92: نور سمائی - heavenly sunlight

در طی سفر در نور سالکم، بر اوج کوه ها یا دره ها!

”ترکت نکنم“ گوید مسیحا؛ وعده ای است عالی از بهر
ما!

(نور سمائی، نور سمائی،

تابان در قلبم با جلالش!

هلولویا، مسرور و شادانم!

خوانم من حمدِ منجی ام را!!)

چون تاریکیها گیردم فرا، منجی ام باشد هادی مرا.
نور من اوست، در وی ظلمتی نیست. همواره کنم نزد
او زیست.

(بندگردان)

با قلبی شادان، در نوری تابان، سوی آسمان باشم روان.
با حمد و ثنا، قلبم شادمان؛ باشد هادی ام نور جهان!

(بندگردان)

همه باید بدانند، همه باید بدانند،
همه باید بدانند این عیسی کیست!
"تکرار"

اوست سوسن وادیها،
اوست ستاره رخشان!
اوست زیباتر از ده هزار!
همه باید بدانند!

94: شکرکنم بہر نجات - Thank You Lord

شکر کنم بہر نجات، شکر کنم بہر شفایت!

شکرکنم بہر عطایت؛ نجات عظیم پر بہایت!

عیسی نامت چه زیباست!

منجی عزیز رب جلال!

عمانوئیل خدا با ما

منجی رحیم رب قدیر!

96: خداوند خداوند - He is Lord

خداوند، خداوند، از مردگان برخاسته، خداوند!

هر زانویی خم شود، هر زبانی بگوید:

"عیسی خداوند است!"

97: شکر که هدیه نمودی عیسی را به ما! - Give
thanks

تقدیم نمایم خود را
با حمد، ای روح خدا!
شکر که هدیه نمودی عیسی را به ما!

ملجا و صخره من،
پدر، ای سرور من،
شکر که هدیه نمودی عیسی را به ما!

(ضعیف گوید: "قوی هستم!
در فقر غنی هستم!")
این است طریق خدای زنده! تکرار

98: مسیح بر آرد هر آرزویم را - Beyond the Sunset

مسیح بر آرد هر آرزویم را؛
مسیح بر آرد نیازم را.
او دهد نجات، تعمیر ر شفا!
آه هلولیاه؛ کافیست مرا!

99: اگر شادمان هستی دست بزن - O be careful little eyes

{اگر شادمان هستی دست بزن!} تکرار

اگر شادمان هستی و غمی نداری، اگر شادمان هستی
دست بزن!

{اگر شادمان هستی پا بزن!} تکرار

اگر شادمان هستی و غمی نداری، اگر شادمان هستی پا
بزن!

{اگر شادمان هستی بشکن بزن!} تکرار

اگر شادمان هستی و غمی نداری، اگر شادمان هستی
بشکن بزن!

اگر شادمان هستی بگو آمین!} تکرار

اگر شادمان هستی و غمی نداری، اگر شادمان هستی
بگو آمین!

اگر شادمان هستی همه با هم!} تکرار

اگر شادمان هستی و غمی نداری، اگر شادمان هستی
همه با هم!

100: مواظب باش چشمهای کوچک - be careful little eyes

{ مواظب باش چشمهای کوچک چه می بینی! } تکرار

چرا؟ چون پدر ما خدا از بالا کند نگاه!

مواظب باش چشمهای کوچک چه می بینی!

{ مواظب باش گوشهای کوچک چه می شنوی! }
تکرار

چرا؟ چون پدر ما خدا از بالا کند نگاه!
مواظب باش گوشهای کوچک چه می شنوی!

{ مواظب باش زبان کوچک چه می گویی! } تکرار
چرا؟ چون پدر ما خدا از بالا کند نگاه!
مواظب باش زبان کوچک چه می گویی!

{ مواظب باش دستهای کوچک چه می کنی! } تکرار
چرا؟ چون پدر ما خدا از بالا کند نگاه!
مواظب باش دستهای کوچک چه می کنی!

{ مواظب باش دستهای پاهای کجا می روی! } تکرار
چرا؟ چون پدر ما خدا از بالا کند نگاه!
مواظب باش دستهای پاهای کجا می روی!

من دارم شادی، شادی، شادی، شادی،
در قلب خود، در قلب خود، در قلب خود،
من دارم شادی، شادی، شادی، شادی،
در قلب خود، در قلب خود دائم!

در نام عیسی، در نام عیسی، همیشه پیروزیم!
از نام عیسی، از نام عیسی، شیطان می گریزد!
کیست که تواند
در برابر نام قادرش بایستد؟
چونکه در نام اوست
که ظفر و پیروزی یافته ایم!

عیسی بدو گفت:

"من راه و راستی و حیات هستم؛
هیچکس نزد پدر جز بوسیله من نمی آید.
اگر چیزی به اسم من طلب کنید،
من آن را به جا خواهم آورد." تکرار

104: خدا حافظ توست – God will take care of you

هراسان نباشی ای جوان خدا حافظ توست
زیر بال عشق وی بمان خدا حافظ توست.
(خدا حافظ توست هر روز و آن، در هر مکان
او که حافظ توست خدا حافظ توست.)

در هر رنج و دل شکستگی خدا حافظ توست
در خطر و رشکستگی خدا حافظ توست
(بندگردان)

نیازت را برآورد او خدا حافظ توست
خواسته ات را رد نکند او خدا حافظ توست

(بندگردان)

آزمایشت هر چه باشد خدا حافظ توست
تکیه گاهت عیسی باشد خدا حافظ توست

(بندگردان)

105: در صلیب - At the Cross

وای منجی ام خونش بریخت دوستش وی را
بفروخت
خود را وقف کرد در جلجتا شد منجی یکتا
در صلیب، در صلیب، چون نورش را یافتم
بار گناهان از خود دور ساختم
با ایمان خود بینایی یافتم
اینک هر روز و هر آن شادم

سر زده بود خطا زمن عیسی دور کرد از من
چه رحمتی، چه حکمتی بس عشق عظیمی

(بندگردان)

تاریکی شد، زلزله شد چون عیسی مصلوب شد.
قبرها باز شد، بند آزاد شد. ناجی ام پیروز شد.
(بندگردان)

نتواند کند جبران عشق آن پر توان
کاری که توانم کنم خود را وقفش کنم.
(بندگردان)

106: چه خوش است بر جانم – It is Well with my Soul

گر آرامی بسان نهری آید گر غم مثل موجی آید
هر چه پیش آید پیوسته می گویم
چه خوش است، چه خوش است بر جانم
چه خوش است... بر جانم...
چه خوش است، چه خوش است بر جانم

گر دیو بندم نهد، گر سختی رسد یقین، عیسی نجات
دهد.

مسیح برداشت گناهانم از جانم خون خود را ریخت
بهر جانم
(بندگردان)

خوشم وقتیکه فکر می کنم در عمق گناه تماماً، نه
در جزء
چسبید بر صلیب، دگر حمل نکنم خدا را سپاس کن
ای جانم
(بندگردان)

خدایا، همی بازگشتت را خواهم سما را نی قبر را
خواهم
شیپور فرشته، صور خداوند امید مبارک، بر جانم
(بندگردان)

آن روز می رسد، ایمان دیدار شود ابرها چون
طومار بیچد
شیپور نوازد، خدا نزول کند هلولیا گوید این جانم
(بندگردان)

رها شدم با صلیب خونین ز گنه رها اینک
خدمت، گزین

بر پدر و هم بر پسر حمد گویند رها شدم با صلیب
خونین

رها...رها از زخمهای عیسی یافتم من شفا
رها...رها ... با خون مقدس من رها شدم

رها شدم با صلیب خونین فرشته ها شاد بر کارِ بر،
ترین

فرزند پدر و میراث پسر رها شدم با صلیب
خونین

(بندگردان)

رها شدم با صلیب خونین بر پدر و بر پسر سلام
کنین

بر روح القدس آن سه در واحدین رها یافتم با صلیب
خونین
(بندگردان)

108: به عیسی گویم – I Must Tell Jesus

به عیسی گویم غم و دردم را، تحمل آنرا ندارم!
در پریشانی او کمکم است، همیشه امداد از او دارم.
به عیسی گویم، به عیسی گویم؛ تحمل دردها ندارم!
به عیسی گویم، به عیسی گویم؛
عیسی همدردم، عیسی فقط.

به عیسی گویم مشکلاتم را، او یار مهربانم گردد!
گر از او خواهم، رهایم سازد؛ مشکلاتم را پایان
بخشد.

(بندگردان)

وسوسه گشته ام رهایی خواهم، زان کس که تواند
رهاند.

به عیسی گویم، به عیسی گویم؛ ز وسوسه ها رها
سازد.

(بندگردان)

شهوَت گناه از سوی دنیا، مرا به وسوسه کشاند.
به عیسی گویم تا کمک کند، مرا بر دنیا پیروز کند!

(بندگردان)

109: از آن عیسی هستم – Now I belong to Jesus

عیسی خداوند مرا دوست دارد قدرت شریر تابی
ندارد

جان خود داد که جانم رهد از آن او هستم

از آن عیسی هستم عیسی از آن من

نه برای امروز فقط بلکه تا به ابد

در پستی گناه گم می بودم عیسی آمد تا نجات
جویدم

ز شرم گناه مرا برخواست از آن او هستم

(بندگان)

جانم شاد چون عیسی رهایم داد از گناهی که سالها
رنجم داد

خون خود ریخت و نجاتم داد از آن او هستم

(بندگان)

110: عیسی فقط فکرهای تو – Jesus the very thought of thee

عیسی فقط فکرهای تو دلم را شیرین کند.

ولی شیرین تر که تو را ببینم

و در پیشت آرامم.

هیچ صدایی نیست، هیچ قلبی نیست، نه یاد همی کند
صدای شیرین تر از اسمت. ای منجی بشر!

ای امید دل توبه کار! ای شادی حلیمان!
به آنانی که می پرسند چقدر مهربان هستی،
چقدر به جویندگان خود نیک هستی.

ولی آنچه آنان می یابند آه که زبان یا قلم نتواند نشان دهد
که محبت مسیح چیست! جز محبوبان او.

عیسی خوشی ما فقط تو باش. چنانکه پاداش من هستی!
عیسی جلال ما باش از اینک. و تا ابدالابد!

111: ای میهن زیبای ما

ایران خدایا بر زمین در هر زمان آزاد باد
کوه و در و دشتش همین از رحمت آباد باد

ای میهن زیبای ما جای نیاکان جای ما
ز عشق تو برد دل‌های ما هر کس ز تو دلشاد باد
بخشیده یزدان در جهان بر کشوری بر اهل آن
ایران شد از ایرانیان ما را خدایی خانه داد
(بندگردان)

هر گوشه این راستان دارد ز عهد باستان
در دل هزاران داستان از کورش و از مهرداد
(بندگردان)

ما آگه از آلام تو ای نور بی همنام تو
فرخنده باد ایام تو هر شامگاه و بامداد
(بندگردان)

از بهرت ای ایران زمین خواهیم بردانیم چنین
دادت عیسی را یقین پروردگار و اوستاد
(بندگردان)

ایران ما پاینده باد. نامش همیشه زنده باد
نور خدا تابنده باد. محکم شود بنیاد داد
(بندگردان)

